

بررسی تطبیقی هیئت دولت جمهوری اسلامی ایران با کشورهای (آلمان فدرال، آمریکا و فرانسه)

ابراهیم موسی زاده^۱، مجید پاکنهاد نائینی^۲

^۱ هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

^۲ کارشناسی ارشد حقوق عمومی پردیس دانشگاه تهران

چکیده

هیئت دولت یا نهادی که از آن تعبیر به کابینه می شود با توجه به نوع تفکیک قوا و جایگاه رئیس جمهور در کشورهای مختلف از الگوی خاصی تبعیت می کند. در ایران ریاست هیئت دولت با شخص رئیس جمهور بوده که باید برای وزرا از مجلس رأی اعتماد بگیرد. در فرانسه در رأس هیئت دولت نخست وزیر و رئیس جمهور بوده و در عمل وابسته به ریاست جمهوری بوده و ممکن است برخی دولت ها فاقد آن ویژگی باشند. در آلمان برخلاف ایران و فرانسه ضمن اینکه هیئت دولت اساسی ترین رکن قوه مجریه بوده و صدراعظم نیز به عنوان شخصیت قدرتمند نظام جایگاه ویژه ای را به عنوان رئیس هیئت دولت داراست. کابینه در ایالات متحده آمریکا نه در قانون اساسی و نه در قوانین عادی پایگاهی ندارد و تک تک وزرا و نیز هیئت آن ها صرفاً دستیاران شخصی رئیس جمهور بوده و فقط در مقابل او مسئول هستند.

واژه های کلیدی: هیئت دولت، جمهوری اسلامی ایران، کابینه.

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین پیش‌فرض‌های حقوق تطبیقی این است که نظام‌های سیاسی و یا حقوقی متفاوت قابل مقایسه و تطبیق هستند، اما باید توجه داشت که این دست از نظام‌ها پدیده‌هایی اجتماعی هستند که تنها جنبه‌ای از جامعه را نشان می‌دهند و نباید مجزا از سایر جنبه‌ها مطالعه و ارزیابی شوند، پس درک درست از نظام حقوقی و سیاسی یک کشور، مستلزم اطلاع از سایر اوضاع و احوال حاکم بر آن کشور در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی، مذهبی، فرهنگی، تاریخی و غیره است.

تفاوت ساختاری هیئت وزیران یا کابینه دولت‌ها به‌عنوان یکی از بارزترین جلوه‌های تنوع نظام‌های حقوقی و یا سیاسی که ریشه در حقوق اساسی هر نظامی دارد هسته اولیه تحقیق پیش روست، ضمن اینکه تبیین جایگاه نهاد حقوقی مذکور در ضمن بررسی تطبیقی نظام جمهوری اسلامی ایران با آلمان فدرال، آمریکا و فرانسه مدنظر بوده است.

در ایران وزرا پس از تعیین توسط رئیس‌جمهور و اخذ رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی هیأتی را تشکیل می‌دهند که هیئت وزیران یا هیئت دولت و کابینه دولت نامیده می‌شود. پس از رئیس‌جمهور هیئت دولت عالی‌ترین مقام سازمان اداری محسوب می‌شود. مسئولیت هیئت وزیران با رئیس‌جمهور است. مصوبات هیئت وزیران اعم از این که سیاسی باشد یا اداری و یا مربوط به مسائل کلی یا جزئی باشد تصویب نامه نامیده می‌شود. اگر مصوبات هیئت وزیران به صورت آئین نامه باشد جزء مقررات عمومی بوده و رعایت آن برای عموم الزامی است. البته مصوبات هیئت وزیران نباید مخالف و ناقض قانون باشد و تصویب نامه هیئت وزیران از لحاظ سلسله مراتب اداری بر تصمیمات و آئین نامه‌های خود وزیران مقدم است حال م در این پژوهش می‌خواهیم به بررسی و تبیین نوع ساختار و وظایف هیئت وزیران در جمهوری اسلامی ایران بپردازیم و سپس بررسی نماییم نوع ساختار هیئت دولت و وظایف ایشان در سه کشور آلمان فدرال، جمهوری فرانسه و آمریکا و در نهایت امر با تطبیق آن با هیئت دولت ایران و شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های این نظام‌ها به درک درستی از این ساختارها برسیم.

در این مقاله می‌خواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که هیئت دولت و یا کابینه در جمهوری اسلامی ایران چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی به لحاظ ساختاری با هیئت دولت در آلمان فدرال، آمریکا و فرانسه دارد؟

در بررسی ساختار وظایف هیئت دولت ایران و این سه کشور تفاوت‌های بسیاری دیده می‌شود حتی نسبت به فرانسه که از لحاظ حقوق به آن نزدیک هستیم. رئیس‌جمهور در نظام جمهوری اسلامی ایران رئیس دولت است و پس از مقام رهبری عالی‌ترین مقام رسمی است. ریاست هیئت وزیران با رئیس‌جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد. در آمریکا رئیس دولت رئیس‌جمهور است که ریاست حکومت را هم بر عهده دارد ولی ناظر بر سایر قوا نیست چرا که اصل تفکیک کامل قوا در این کشور حاکم است. در جمهوری فدرال آلمان صدراعظم رئیس دولت آلمان و مهم‌ترین مقام جمهوری فدرال است. در فرانسه نخست‌وزیر رئیس دولت بوده و وزیران نیازی به موافقت پارلمان ندارد و تنها سیاست عمومی دولت نیازمند رأی موافق مجلس است و رئیس‌جمهور می‌تواند مجلس ملی را هر موقع و به تشخیص خود منحل کند.

حقوق در نظام‌های متعدد در صدد تنظیم روابط اجتماعی و رفع مشکلات مشابه انسانی است. هرچند نظام‌های گوناگون در صدد حل مشکلات کم و بیش مشابهی هستند ولی هر نظام راه حل‌های خاص خود را ممکن است برقرار کرده باشد که در نهایت به نتایج کم و بیش مشابهی می‌رسند.

پس از مقایسه و تطبیق راه حل‌های مختلف در خصوص یک موضوع و تعیین مشابهت‌ها و تفاوت‌های موجود، این پرسش مطرح می‌شود که کدام روش بهتر و مناسب‌تر است. این سؤال به خصوص زمانی اهمیت می‌یابد که هدف از مطالعه تطبیقی

اصلاح وضع موجود و اتخاذ بهترین راه حل است، ضمن این که برای تشخیص بهترین راه حل باید ملاک ها و معیارهایی وجود داشته باشد که بتوان بر اساس آن، راه حل های متفاوت را ارزیابی کرد.

روش تحقیق

از آنجا که یکی از مهم ترین جنبه های تحقیق علمی، متدلوژی آن است و بدون متدلوژی نتایج بررسی و تحلیل های مربوطه معتبر و قابل تعمیم نخواهد بود، شایسته است عنوان گردد که روش انجام این تحقیق به صورت توصیفی می باشد به این صورت که شاخص های الگوهای خارجی مورد بررسی قرار گرفته و سپس اقدام به مطالعه و ارزیابی الگوی ایرانی گردیده است. گردآوری اطلاعات نیز به صورت روش کتابخانه ای و مطالعه اسناد و مدارک و هم چنین استفاده از فضای مجازی و سایت های اینترنتی بوده است. موضوع این تحقیق در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ به تصویب رسید. از آن تاریخ به مدت تقریبی ۵ ماه مطالعاتی در این زمینه انجام شد تا ابعاد موضوع برای نگارنده بیش از پیش روشن گردد. از مرداد ماه سال ۱۳۹۳ جمع آوری مطالب و نگارش تحقیق آغاز شد که یک دوره زمانی سه ماهه را شامل می شود. در ضمن منابع استفاده شده برای تحقیق پیش رو در سطح ملی از آغاز دوره بازنگری در ایران تا کنون و در سطح فراملی الگوهای سال های اخیر مدنظر بوده است.

مبانی نظری

دولت

دولت در اصطلاح به معنی اجتماعی از مردم است که در یک سرزمین مشخص زندگی می کنند و از حکومت برخوردارند که به وضع و اجرای قانون اقدام می کنند و تحت سلطه حاکمیتی قرار دارند که استقلال و آزادی آنان را تضمین می کند. مفهوم دولت در معانی دیگری نیز به کار برده می شود. بسیاری از نویسندگان مفاهیم دولت و حکومت را به یک معنا به کار می برند و در زبان عامیانه و رسانه ها دولت معمولاً به معنی قوه مجریه یا هیئت وزیران است که این کاربرد از واژه دولت تنها به بخشی از حکومت اشاره دارد.

دومین رکن از ارکان قوه مجریه در نظام هایی است که قوه مجریه آن ها دوآلیست یا دورکنی می باشد. و به طور معمول شامل نخست وزیر، همه مسئولین وزارتخانه ها و سازمان های مختلف اداری است، از رئیس دولت مجزا و متمایز بوده و بخش عمده ی امور اجرایی کشور را در اختیار دارند.

وزرا

وزرا به عنوان مقامات عالی سازمان اداری کشور، بدنه امور اجرایی کشور را تشکیل داده و علاوه بر این که به تنهایی مسئول مشاغل اختصاصی وزارتخانه خود هستند، به اتفاق در کلیات امور در مقابل مجلس شورا مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند و هیأتی را تشکیل می دهند که هیئت وزیران یا هیئت دولت یا کابینه نامیده می شود.

آلمان فدرال

آلمان با نام رسمی جمهوری فدرال آلمان کشوری در قاره اروپا با پایتخت برلین است. آلمان از شمال با دریای شمال، دانمارک و دریای بالتیک، از شرق با لهستان و جمهوری چک، از جنوب با اتریش و سوئیس و از غرب با فرانسه، لوکزامبورگ، بلژیک و

هلند مرز دارد. مساحت آن در حدود ۳۵۷۱۲۱۴۱ کیلومتر مربع (۶۳ امین کشور جهان) است و با ۸۲ میلیون نفر پر جمعیت ترین کشور اروپا است.

آمریکا

ایالات متحده آمریکا یا آمریکا کشوری در آمریکای شمالی و به پایتختی شهر واشنگتن، دی. سی. است. آمریکا سومین کشور پر جمعیت دنیا و سومین کشور پهناور جهان است، و از لحاظ نژادی و گوناگونی مردم متنوع ترین کشور جهان شناخته می شود.

فرانسه

فرانسه با عنوان رسمی جمهوری فرانسه یکی از کشورهای واقع شده در اروپای غربی می باشد که دارای چند منطقه تحت حاکمیت بوده و پایتخت آن شهر پاریس می باشد. بر اساس مساحت، فرانسه کما بیش اندازه افغانستان و بزرگترین کشور اروپای غربی و اتحادیه اروپا و هم چنین سومین کشور بزرگ در کل قاره اروپا به شمار می آید. جمعیت آن در حال عبور از مرز ۶۷ میلیون نفر است که با این رقم فرانسه در رتبه دومین کشور پر جمعیت اتحادیه اروپا قرار می گیرد. هیئت دولت یا نهادی که از آن تعبیر به کابینه می شود با توجه به نوع تفکیک قوا و جایگاه رئیس جمهور در کشورهای مختلف از الگوی خاصی تبعیت می کند. در ایران ریاست هیئت دولت با شخص رئیس جمهور بوده که باید برای وزرا از مجلس رأی اعتماد بگیرد. در فرانسه در رأس هیئت دولت نخست وزیر و رئیس جمهور بوده و در عمل وابسته به ریاست جمهوری بوده و ممکن است برخی دولت ها فاقد آن ویژگی باشند. در آلمان برخلاف ایران و فرانسه ضمن ک هیئت دولت اساسی ترین رکن قوه مجریه بوده و صدراعظم نیز به عنوان شخصیت قدرتمند نظام جایگاه ویژه ای را به عنوان رئیس هیئت دولت داراست. کابینه در ایالات متحده آمریکا نه در قانون اساسی و نه در قوانین عادی پایگاهی ندارد و تک تک وزرا و نیز هیئت آن ها صرفاً دستیاران شخصی رئیس جمهور بوده و فقط در مقابل او مسئول هستند.

جایگاه حقوقی، وظایف و اختیارات هیئت دولت ایران، فرانسه، آلمان و ایالات متحده آمریکا

تفسیر جایگاه هیئت دولت امری پیچیده و دشوار است چرا که سیر تطور تاریخی آن مفهومی نشان داده که در دوران های مختلف و با رویکردهای متفاوت معنای گوناگونی را دربر داشته است. از یک سو می توان هیئت دولت را صرفاً نهادی اداری جهت اجرای دستورات قانونی به شمار آورد و حتی دخیل در حاکمیت ندانست و از سوی دیگر آن را بخشی از حاکمیت و حتی نماد اقتدار حاکمیت قلمداد کرد و به این جهت برای این مفهوم تناسب زیادی با مفهوم حاکمیت و اطلاق آن برای هیئت دولت قائل شد.^۱ دلایل دیگری نیز موجب افزایش این ابهام و مشکل در تفسیر هیئت دولت می گردد از جمله این که ترکیبی از نهادهای متعدد همچون پادشاه، دولت، رئیس جمهور، دستگاه اداری و غیره است. دوم آنکه هیئت دولت در نظام های حقوقی مختلف انواع گوناگون دارد و لذا معانی متفاوت داشته است و محدوده ی اختیارات متفاوت را در بر می گیرد. در هر صورت با بررسی سیر تاریخی و تحولات عملی از ابتدای پیدایش و شکل گیری نظریه تفکیک قوا تا کنون و همچنین نوع نگرش به مفاهیمی همچون حاکمیت و اداره معنای اجرا، دو رویکرد کلی در تبیین و تفسیر مفهوم هیئت دولت قابل برداشت خواهد بود.

^۱- کدخدایی، عباس علی - مفهوم قوه مجریه - مجله پژوهش های حقوق تطبیقی - شماره ۲ - صفحه ۱۴۴ - ۱۴۸

رویکرد سنتی

از آنجا که هدف اصلی رویکرد سنتی به نظریه تفکیک قوا پاسداشت آزادی ها و حقوق مردم و "کنترل قدرت" و تقسیم آن به منظور تضمین هر چه بیشتر "آزادی های عمومی" با اصل قرار دادن حق حاکمیت عمومی یا حاکمیت مردم است و با توجه به شرایط و مقتضیات تاریخی دوران اولیه شکل گیری این نظریه که جوامع در حال گذار از مرحله حکومت های دیکتاتوری به سوی حکومت های دموکراتیک و مردم سالار بودند، اصولاً نگاهی بدبینانه به هیئت دولت به عنوان قدرت حاکم و برتر وجود داشت و پیوسته درصدد کنترل و نظارت قوی بر آن و ترسیم حدود مرزها و محدوده صلاحیت ها و اختیارات آن بوده اند. حامیان این رویکرد بدون توجه به بسیاری از نظریات طراحان اصلی نظریه تفکیک قوا و بسیاری از اختیارات و اقتداراتی که اندیشمندانی چون لاک و مونتسکیو برای قوه مجریه قائل بوده اند، قوه مجریه را صرفاً قدرت اجرای قوانین قلمداد می کردند. چنین نگرشی به قوه مجریه و هیئت دولت موجب شده این بدنه صرفاً در حد یک نهاد اداری برای اجرای قوانین قلمداد گردد. علیرغم وجود برخی تفاوت ها، تمامی حامیان این رویکرد بر دو اصل اساسی تکیه می کنند. اول آن که نهادهای زیر مجموعه قوه مجریه هیچ گونه سهمی در حاکمیت ندارند چرا که حاکمیت متعلق به مردم است و در نتیجه کلیه اقدامات و مقررات گذاریهایی که توسط قوه مجریه صورت میگیرد یا باید به واسطه یک قانونگذاری قبلی از سوی پارلمان، به وی اعطا شده باشد و یا باید ذاتاً دارای ماهیت اداری و در چارچوب قوانین باشد. دوم آن که صلاحیتهای قانونی که به قوه مجریه اعطا شده، اند نه ذاتی هستند و نه اصلی و ابتدایی، بلکه تبعی بوده، پیوسته از یک مصوبه قانونی سرچشمه می گیرند. نکته مهم آن که غالباً در تعریف قوه مجریه در این رویکرد به مرز و محدوده آن توجه، شده کمتر به بررسی اهداف و کارکردهای متصور برای این قوه در این مقام پرداخته می شود.

رویکرد نوین

در پی تحول نظریات موجود در باب تفکیک قوا و تأکید بر لزوم برقراری تعادل و توازن در میان قوای حاکمه جهت افزایش خاصیت کنترل تعادلی میان این قوا خصوصاً در نظام های ریاستی هم چون نظام حقوقی ایالات متحده نوعی بازگشت به روح حاکم بر نظریات مونتسکیو در میان اندیشمندان حقوقی پدید آمد. این رویکرد سعی داشت با محور قرار دادن کارکرد و هدفی که در تئوری تفکیک قوا برای «قوه مجریه» در نظر گرفته شده، اقدام به تعریف و مشخص ساختن محدوده صلاحیت آن کند. به بیان دیگر به جای روشن ساختن مرز و محدوده عملکرد قوه مجریه با بیان مفاهیمی چون مفهوم صلاحیت ضمنی یا تبعی سعی شد با نگاهی واقع بینانه تر نسبت به آنچه از قوه مجریه انتظار می رود و جایگاهی که این قوه در اعمال حاکمیت بر عهده دارد حوزه اختیارات این قوه مشخص گردد و صلاحیتهایی چون تهیه و تدارک تصمیمات و اتخاذ تصمیمات لازم الاجرا را به آن ببیزایند. در این گفتمان، قوه مجریه قوهای است که اجرای قانون ر «کنترل میکند.» لذا مقامات سیاسی قوه مجریه اجرای قانون را مدیریت و سرپرستی میکنند و آنچه اجرای قانون نامیده میشود مربوط به کارکنان اداری قوه مجریه است، نه مقامات سیاسی آن. از این رو مشخص است که «اجرای صرف قانون» و «کنترل اجرای قوانین» و «مدیریت» ها آن اگرچه مرزهای مشترکی دارند، با هم متمایزند و اجرای قوانین بر عهده مقامات اداری قوه مجریه و مدیریت و کنترل اجرای قوانین بر عهده مقامات سیاسی این قوه است. پیروان این رویکرد معتقدند امروزه مفهوم دولت که برای دولت یک نقش انفعالی قائل بود و وظیفه او را تنها حفظ نظم عمومی در جامعه و انجام خدمات محدودی میدانست، متروک شده است.

اینان معتقدند در طول زمان وظایف و مسؤولیتهای قوه مجریه افزایش یافته و محدوده ترسیم شده توسط طراحان نظریه تفکیک قوا را نیز در هم شکسته و امروزه این قوه در اکثر کشورها به اموری میپردازد که از حیطه صلاحیت اجرایی او فراتر رفته و با امور قانونگذاری و قضایی مرتبط میشود.^۲

ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس کشور (رئیس دولت به معنی اعم) و رئیس قوه مجریه دو مقام جداست و وظایف و مسئولیت های آنها هم مجزا و تفکیک شده می باشد. رئیس کشور که عنوان اسلامی ولی امر و امامت را دارد یک مرجع عام مذهبی است که مشروعیت حکومت و همه قوای حاکم ناشی از او میشود که باید شرایط لازم علمی و تقوای پیش بینی شده را داشته و از جانب عامه مردم و یا اکثریتی قاطع با آن شرایط و صفات به مقام رهبری پذیرفته گردیده است باشد.^۳ رئیس کشور یا مقام رهبری مقامی است که قوای مقننه قضائیه و مجریه تحت نظر او اعمال حاکمیت می کنند. مقام رهبری یا ریاست کشور وظایف خاص اجرایی دارد که خارج از حوزه ریاست قوه مجریه انجام می پذیرد. به عبارت دیگر قوه مجریه به دو بخش امور اجرایی تقسیم میشود. بخشی از آن به طوری که در اصل ۱۱۰ قانون اساسی معین گردیده مستقیماً بمقام رهبری است و رئیس جمهور برابر اصل ۱۱۳ نسبت به این بخش از قوه مجریه ریاست ندارد. بخش دوم امور اجرایی که از طریق دولت (به معنی اخص) یعنی هیئت وزیران و وزارتخانه ها اعمال می شود تحت ریاست رئیس قوه مجریه یعنی ریاست جمهوری است با این توضیح رئیس کشور با مقام رهبری رئیس قوه مجریه نیست ولی قوه مجریه هم مثل دو قوه دیگر تحت نظر او می باشد منتها همان طور که بیان شد بخشی از امور اجرایی را مستقیماً عهده دار است. هیئت وزیران شامل مجموعه ی وزرا و معاونان رئیس جمهور برای سیاست گذاری هماهنگی و تصمیم گیری مشارکتی حول وظایف دولت است این مجموعه از نظر قانون اساسی یک تأسیس حقوقی مستقل و دارای وظایف متعدد حول اصول هفتاد و چهارم هشتاد و نهم یکصد و بیست و چهارم یکصد و بیست و هفتم یکصد و سی و چهارم یکصد و سی و هشتم و یکصد و سی و نهم بوده که با کسب رأی اعتماد وزرا در مجلس مطابق اصل هشتاد و هفتم رسمیت می یابد. در ضمن اعضای هیئت دولت در انجام امور محوله خود می توانند در کارگروه های کوچک تری با عنوان « کمیسیون » به تصمیم گیری بپردازند. این کمیسیون ها شامل کمیسیون های دایم) همانند کمیسیون های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امور زیربنایی و... (هستند که طبق آیین نامه ی داخلی هیئت دولت ایجاد شده اند یا کمیسیون های خاص با تصویب هیئت دولت می شوند که طبق بند دوم اصل یکصد و سی و هشتم مصوبات آنها با تأیید رئیس جمهور لازم الاجرا می باشد.

فرانسه

بعد از جمهوری سوم مجالس قوه مقننه پاره ای از صلاحیت های خود را با میل و اراده به قوه مجریه منتقل کرده بودند یعنی با تصویب قانون اختیارات به هیئت دولت اجازه داده بودند تا در موارد بسیار مشخصی به صورت تصویب نامه قانون گذاری کند (تصویب نامه جایگزین قانون) با این که این روش به وسیله قانون اساسی جمهوری چهارم محکوم شده بود معذک از

۱- کدخدایی، عباسعلی- همان ص ۱۴۴-۱۴۹

-مدنی، جلال الدین- حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران- انتشارات سروش - سال ۶۹، ص ۱۱۲-۱۱۳

تاریخ ۱۹۴۸ به بعد هر بار که پارلمان از اخذ تصمیم لازم در زمینه های مشخصی عاجز می ماند از روش تصویب نامه جایگزین استفاده به عمل می آمد و این اختیار از طرف پارلمان به مجریه داده می شد.

قانون اساسی سال ۱۹۵۸ (جمهوری پنجم) که دارای انگیزه های ضد پارلمانی بود نسبت به این تحول بی اعتنا نماند و صلاحیت قانون گذاری پارلمان محدود به مواردی شد که ماده ۳۴ قانون اساسی به دقت برشمرده بود (نحوه نشر اسکناس، نظام های انتخاباتی مجالس پارلمانی و مجالس محلی، نظام مالکیت و غیره) کلیه مواردی که خارج از موضوعات تعیین شده در ماده ۳۴ مذکور بود در طیف اختیارات هیئت دولت و تصمیم گیری آن (قدرت نظام نامه ای) قرار گرفت ساختاری با صلاحیت قضایی به نام شورای قانون اساسی مخصوصاً ایجاد شد تا اگر پارلمان خواست به قانون گذاری در زمینه ای که مخصوص اختیارات حکومت (هیئت دولت) است اقدام نماید از آن جلوگیری به عمل آورد.^۴ در جمهوری پنجم قانون اساسی چهارم اکتبر ۱۹۵۸ به هیئت دولت تحت رهبری نخست وزیر (نه رئیس شورای به تعبیر جمهوری چهارم) نقش قابل توجهی اعطاء کرده است. در این قانون اساسی آمده است که: «هیئت دولت سیاست ملی را هدایت می کند و دستگاه های اداری و نیروهای انتظامی در اختیار آن است» (اصل بیستم قانون اساسی) لکن جنبش ضد پارلمانی رژیم جمهوری پنجم چنان نیرومند بود که عملاً نوعی عدم تعادل به سود قوه مجریه و به ویژه نهاد ریاست جمهوری فراهم آورد هیئت دولت که باید طبیعتاً پاسخگو و مسئول مجلس ملی باشد در عمل به شکل وابسته ریاست جمهوری به سود قوه مجریه و به ویژه نهاد ریاست جمهوری به درآمد.^۵

نخست وزیر وزیران و مقامات عالیه دارای وظایف وزارتی هیئت دولت فرانسه را تشکیل می دهند قانون اساسی جمهوری پنجم به این هیئت تحت رهبری نخست وزیر نقش قابل توجهی اعطا کرده و فصل سوم خود و اصول متعدده ی دیگر در سایر فصول را به آن اختصاص داده است. نخست وزیر رئیس دولت و دومین شخصیت رسمی کشور است که مستقیماً به وسیله رئیس جمهور به این سمت برگزیده می شود او موظف است در زمان مناسب به تشخیص خود در پارلمان حضور یافته نسبت به برنامه های رأی اعتماد بگیرد این روش در مقام مقایسه با شیوه رأی اعتماد پارلمانی به شخص وی و همکاران او آنچنان که در جمهوری چهارم معمول است آزادی عمل بیشتری برای نخست وزیر در برابر پارلمان تأمین می کند.

نخست وزیر می تواند به موجب اختیارات مصرح و با داشتن برنامه معین در روز مشخص به جای رئیس جمهور ریاست هیئت دولت را بر عهده دارد. نکته قابل توجه این است که حوزه مسئولیت نخست وزیر با رئیس جمهور فرانسه نشان می دهد که زمینه تعارض ها و برخوردها بین این دو مقام عالی رتبه اجرائی قابل پیش بینی است. از یک سو ریاست هیئت برعهده رئیس جمهور است و اوست که عالی ترین مقام اجرائی پس از خود را تعیین می نماید و نصب مقامات لشکری و کشوری با او است وی باید استمرار دولت را تضمین نماید (اصل ۵) به رغم عدم تصریح به ریاست قوه مجریه در قانون اساسی فرانسه در خصوص رئیس جمهور وی همه شاخص های ریاست این قوه را داراست و از سوی دیگر دولت سیاست کشور را مشخص می کند و آن را به اجرا در می آورد و دستگاه های دولتی و قوای نظامی در اختیار دولت است و اداره دولت با نخست وزیر است (اصل ۲۱) رفع این تناقض تنها به این صورت متصور است که کلیه مسئولیت های دولت که نخست وزیر مسئولیت آن را بر عهده دارد در حقیقت از وظایف و مسئولیت های اصلی رئیس جمهور می باشد که با تعیین نخست وزیر عملاً به وی تفویض می گردد.

۱- آندره، دومیشل (حقوقدان فرانسوی قرن بیستم) - حقوق عمومی - ترجمه دکتر ابوالفضل قاضی، انتشارات دادگستر سال ۱۳۷۶، ص ۶۸-۶۹

آلمان

در آلمان رئیس‌جمهور نقش سیاسی نسبتاً نامرئی و بی اثری دارد جمهوری فدرال آلمان از ابتدای تأسیس به لحاظ شخصیت خاص ادناتر صدراعظم و اکثریت احزاب دمکرات مسیحی و سوسیال مسیحی تا سال ۶۱ در بوندستاگ مجلس ملی از یک ثبات کابینه ای استثنایی برخوردار بود به همین جهت پرزیدنت هوس و سپس پرزیدنت لوبکه به هیچ وجه فرصت نیافتند از نفوذ سیاسی خود برای تعیین صدراعظم استفاده کننده بعد از استقرار رژیم سه حزبی که از توسعه نفوذ حزب لیبرال دکتر منده ناشی شد و انتقاداتی که نسبت به حکومت ارهارد جانشین ادناتر صورت گرفت رئیس‌جمهوری آلمان امکانات بیشتری برای مداخله در امور سیاسی پیدا کرد. بر اساس ماده ی ۶۵ قانون اساسی آلمان صدراعظم خطوط کلی سیاست عمومی کشور را تعیین می‌کند وی دولت فدرال را براساس آئین نامه ای که توسط دولت تنظیم و به تصویب رئیس‌جمهور این کشور می‌رسد اداره و رهبری می‌نماید. بنابراین ریاست دولت فدرال که مرکب از صدراعظم و وزیران فدرال است بر عهده صدراعظم است به پیشنهاد صدراعظم است تمامی فرامین رئیس‌جمهور آلمان بدون تأیید صدراعظم و وزیر صلاحیت دار قابل تنفیذ نیست در صورتی که مجلس فدرال به صدراعظم رأی اعتماد دهد و به جای او فرد دیگری را به‌عنوان صدراعظم جدید معرفی کند در این مقطع رئیس‌جمهوری بنا به درخواست صدراعظم و تصویب نامه بوندسترات می‌تواند قانوناً حالت اضطراری را اعلام نماید و مجلس را منحل نماید. صدراعظم در جمهوری فدرال آلمان از اقتدار فراوانی برخوردار است او با دراختیار داشتن اکثریت پارلمانی و ریاست دولت همانند یک رهبر واقعی ظاهر می‌شود اختیارات وی بسیار وسیع و واقعی است.

اگر لوایح ارسالی از طرف صدراعظم توسط مجلس فدرال تصویب نگردد و صدراعظم انحلال مجلس را درخواست نکند در این صورت طبق قانون اساسی مجلس ایالتی بوندسترات نسبت به تصویب آن لوایح اقدام می‌نماید قانون اساسی جهت جلوگیری از استبداد برای این شیوه مهلت ۶ ماهه در نظر گرفته است البته در وضعیت اضطراری تصویب قوانین صدراعظم به شرط موافقت رئیس‌جمهوری و تصویب بوندسترات انجام می‌گردد. هیئت وزیران متشکل از وزیرانی است که در دولت فدرال آلمان مسئولیت وزارتخانه های فدرال را بر عهده دارند تعداد ۱۴ وزیر فدرال مسئولیت اداره ی وزارتخانه های این کشور را بر عهده دارند.

ایالات متحده آمریکا

در ایالات متحده آمریکا کابینه صرفاً در اثر عرف به وجود آمده است و الا نه در قانون اساسی و نه در قوانین عادی پایگاهی ندارد در سیستم آمریکایی تک‌تک وزرا و نیز هیئت آن‌ها صرفاً دستیاران شخصی رئیس‌جمهور و فقط در مقابل او مسئول هستند. آن‌ها نه عضو کنگره می‌باشند و نه در مقابل کنگره مسئولیتی دارند.

در نظام حکومتی آمریکا رئیس‌جمهور شخصاً تمام اختیارات و تمام مسئولیت های قوه مجریه را عهده دار است او نمی‌تواند این اختیارات و مسئولیت ها را به هیچ فرد یا سازمان دیگری محول کند بنابراین وزرای او در اختیارات و مسئولیت های او شریک نیستند. رئیس‌جمهور «تافت» در این باره نظری ابراز داشته که در حقوق اساسی آمریکا سابقه ای شده است وی گفته است عرف این است که کابینه هفته ای دوبار تشکیل می‌شود و رئیس‌جمهور از آن‌ها نظر مشورتی درباره امور بخواهد و آن‌ها نیز

نظرات رئیس‌جمهور را در وزارتخانه‌های مربوطه به اجرا در آورند. درغیاب رئیس‌جمهور نخست‌وزیر با موافقت او ریاست شورای وزیران و کمیته‌های عالی را به عهده می‌گیرد و وظایف را انجام می‌دهد. احکام نخست‌وزیر علاوه بر امضاء او باید به امضاء مقام مسئول دیگری نیز برسد در غیر این صورت امضاء دو احکام باید توسط وزیر مربوط انجام گیرد.^۷

ارزیابی جایگاه حقوقی هیئت دولت ایران، فرانسه، آلمان و ایالات متحده آمریکا

درمقام مقایسه نظام‌های مزبور باید گفت که در خصوص تشکیلات و ارکان حکومت بین این نظام‌ها اختلافات بعضاً فاحشی وجود دارد.

ایران

در ایران، علی‌رغم این که ریاست قوه مجریه با شخص رئیس‌جمهور است، اما این قوه و نیز سایر قوا تحت نظر مقامی عالی با عنوان رهبری به فعالیت می‌پردازد که به صورت ضمنی بر آن‌ها قدرت فائقه دارد، با توجه به این نکته که صراحتاً بخشی از امور اجرایی، مستقیماً به عهده ایشان گذاشته شده است. اما به هر حال با توجه به جنبه پارلمانی نظام، رئیس‌جمهور که ریاست دولت را بر عهده دارد باید برای وزرا از مجلس رأی اعتماد بگیرد.

فرانسه

در فرانسه با پیش‌بینی مقامی تحت عنوان نخست‌وزیر که قبل از بازنگری قانون اساسی در ایران نیز وجود داشت، در رأس هیئت دولت دو مقام عالی را مطرح می‌سازد. چنان‌چه نخست‌وزیر که توسط رئیس‌جمهور و با رأی اعتماد مجلس منصوب می‌شود می‌تواند نیابتاً ریاست دولت را به عهده گیرد.

هیئت دولت نیز در عمل وابسته به ریاست جمهوری بوده و الزامی برای وجود ایشان نیست و ممکن است برخی دولت‌ها فاقد آن باشند. اما در هر صورت دولت با تعیین سیاست‌های کشور و در اختیار داشتن قوای نظامی که در ایران به عهده شخص مقام رهبری می‌باشد، نقشی پررنگ‌تر از هیئت دولت ایرانی دارند که به نظر می‌رسد الگوی فرانسوی با مبانی دموکراسی سازگارتر باشد.^۸

آلمان

اما در آلمان برخلاف ایران و فرانسه ضمن کمترین تأثیر برای رئیس‌جمهور هیئت دولت، اساسی‌ترین رکن قوه مجریه بوده و صدراعظم نیز به‌عنوان شخصیت قدرتمند نظام، جایگاه ویژه‌ای را به‌عنوان رئیس هیئت دولت داراست. او با داشتن اختیارات ویژه‌ای چون تعیین خطوط سیاست عمومی کشور، اختیار تعیین لوایح به قانون (بیش از هشتاد درصد قوانینی که در قوه مقننه آلمان به تصویب می‌رسد منشأ دولتی دارند) از جایگاه ممتازی در کابینه دولت آلمان برخوردار است. هم‌چنین باید افزود وزرا عملاً وابسته به صدراعظم و مجری تصمیمات او هستند، چنان‌چه فقط صدراعظم از پارلمان رأی اعتماد اخذ

۱- طباطبائی مومنی، منوچهر- حقوق اساسی تطبیقی- بنیاد حقوقی میزان - سال ۸۸، ص ۲۹۲-۲۹۵

- رستمی، ولی- جایگاه و نقش رئیس‌جمهوری در نظام‌های مختلف جمهوری- فصلنامه مفید- شماره ۹۷- ص ۱۴-۲۰^۸

می‌کند. در ضمن فرامین رئیس‌جمهور نیز بدون تأیید صدراعظم قابل تنفیذ نیست که این مورد نیز، دلالت بر جایگاه قابل توجه صدراعظم در هیئت دولت این کشور دارد.

ایالات متحده آمریکا

کابینه در ایالات متحده آمریکا نه در قانون اساسی و نه در قوانین عادی پایگاهی ندارد و تکتک وزرا و نیز هیئت آن‌ها، صرفاً دستیاران شخصی رئیس‌جمهور بوده و فقط در مقابل او مسئول هستند. آن‌ها نه عضو کنگره می‌باشند و نه در مقابل کنگره مسئولیتی دارند. تعیین سیاست دولت و هدایت آن با نخست‌وزیر است که زیر نظر رئیس‌جمهور انجام وظیفه می‌کنند. در مقام مقایسه نیز باید یادآور این نکته بود که هیئت دولت در این کشور، یک مقام متغیر بوده که قدرت خود را از رئیس‌جمهور و پارلمان می‌گیرد و هیچ شباهتی به کابینه در نظام‌های پارلمانی، که یک نهاد سیاسی است ندارد. در ضمن فقدان جایگاه حقوقی خاص برای کابینه این کشور و در مقابل قدرت عالی رئیس‌جمهور در تمشیت امور دولت می‌تواند زمینه ساز دیکتاتوری نهفته در این نظام باشد.^۹

ارزیابی ساختار شکلی هیئت دولت ایران، فرانسه، آلمان و ایالات متحده آمریکا

ایران

در ایران، هیئت وزیران اصولاً با پیشنهاد رئیس‌جمهور و با آراء اعتمادی که مجلس به هر یک از وزیران داده شکل می‌گیرد اما برای حصول اطمینان از هماهنگی بین آن‌ها، رئیس‌جمهور برای هیئت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد و در صورت عدم اعتماد مجلس، عزل توسط شخص رئیس‌جمهور و هم چنین استعفاء از کار برکنار می‌شوند.

با توجه به این مطلب در روی کار آمدن و برکناری هیئت وزیران، مجلس و رئیس‌جمهور نقشی موازی ایفا می‌کنند.

فرانسه

در فرانسه انتخاب وزرا با پیشنهاد نخست‌وزیر و توسط رئیس‌جمهور تعیین می‌شوند و تأیید پارلمان هم، چندان ضروری به نظر نمی‌رسد چرا که رئیس‌جمهور حق انحلال مجلس را دارد.

رئیس‌جمهور نمی‌تواند نخست‌وزیر را جز با تقدیم استعفاء از طرف خود او از کار برکنار نماید اما رئیس‌جمهور که به صلاح انحلال مجلس و اعتماد عمومی مسلح است، می‌تواند پارلمان را وادار سازد که با طرح یک استیضاح به کابینه رأی عدم اعتماد بدهد و نخست‌وزیر را مجبور به کناره‌گیری نماید. شکل استیضاح هیئت وزیران نیزمانند ایران بوده، با این تفاوت که هیئت وزیران در فرانسه بعد از استیضاح، برای برکناری باید استعفای خود را به رئیس‌جمهور فرانسه تقدیم کنند. اما در ایران بعد از عدم اعتماد مجلس حق شرکت در اولین جلسه هیئت وزیران بعد از آن را ندارد.

۱-رنجبر، احمد- جایگاه رئیس‌جمهور در رژیم‌های سیاسی مختلف- فصلنامه مجلس و راهبرد شماره ۴۶ ص ۱۸

در هر صورت، پایان کار اعضای در دو حالت متصور است؛ اول این که یکی یا چند تن از آن‌ها از سمت خود استعفاء دهد، یا به پیشنهاد نخست‌وزیر به وسیله رئیس‌جمهور معزول گردد که در این صورت جانشین آن‌ها انتخاب و به اصطلاح کابینه ترمیم می‌گردد.

دوم این که نخست‌وزیر استعفای خود را از ریاست دولت خواه با تصمیم و اراده، خواه به دنبال رأی عدم اعتماد پارلمان تقدیم رئیس‌جمهور نماید، در این حالت کابینه سقوط و مأموریت تمام اعضای آن پایان می‌یابد. در مقایسه با ایران، نظام حقوقی فرانسه با دادن جایگاه ویژه به رئیس‌جمهور در خصوص انحلال مجلس فاقد نقش همگن دولت و مجلس است در این راستاست.

آلمان

در آلمان نیز صدراعظم بنا به پیشنهاد رئیس‌جمهور از طرف مجلس بوندستاگ انتخاب می‌شود. انتخاب صدراعظم آنقدر اهمیت دارد که در صورت تأخیر در انتخاب او مجلس فدرال توسط رئیس‌جمهور منحل و دستور انتخابات جدید صادر و به مورد اجرا گذاشته می‌شود.

وزرا نیز توسط صدراعظم معرفی و به وسیله رئیس‌جمهور منصوب می‌شوند. ولی این انتخاب جنبه تشریفاتی داشته و در عمل او وزرای معرفی شده به وسیله صدراعظم را بدون مخالفت انتخاب می‌نماید. در واقع می‌توان گفت الگوی آلمانی تشکیل کابینه در آلمان با دادن موقعیتی انحصاری به صدراعظم و نادیده گرفتن حاکمیت ملت که به وضوح در مجلس شورا قابل تصور است با روح دموکراسی که به صورت نسبی در کالبد دولی مانند ایران و فرانسه وجود دارد در تعارض است.

ایالات متحده آمریکا

در ایالات متحده آمریکا وزرا توسط شخص رئیس‌جمهور و با صلاحدید مجلس سنا تعیین و منصوب می‌شوند. اما نظر به نظام ریاستی آمریکا وزرا، تنها توسط رئیس قوه مجریه از ادامه فعالیت معزول می‌گردند، مگر در خصوص ارتکاب جرم که پس از جلب شدن به محکمه توسط مجلس سنا و اثبات جرم، محکوم به عزل و برای مجازات به محاکم صالحه جلب می‌شوند. بنابراین آمریکا در تشکیل هیئت وزیران، تقریباً مانند الگوی ایرانی و فرانسوی است، اما در خصوص انحلال با نادیده گرفتن نقش مجلس میل به استبداد خواهد داشت.

ارزیابی مسئولیت سیاسی هیئت دولت ایران، فرانسه، آلمان و ایالات متحده آمریکا

در نظام تفکیک قوا، قوه مجریه با در اختیار داشتن بیشترین امکانات قسمت اعظم قدرت زمامداری را اعمال می‌نماید. به همین دلیل امکان بروز خطر ناشی از این قدرت علیه حقوق و آزادی‌های مردم فراوان می‌باشد. در نظام‌های پارلمانی قوه مقننه با نظارت بر قوه مجریه و مراقبت بر اعمال آن، امنیت و آزادی مردم را تا حدود زیادی تضمین می‌کند. بدین لحاظ کردار سیاسی اعضای مجریه هم تحت نظارت و مراقبت مستمر قوه مقننه است و مجلس حق مؤاخذه تا سر حد عزل آن‌ها را خواهد داشت که مجموعه اینها حاکمیت پارلمان را بر مجریه تضمین می‌کند اما این مسئولیت سیاسی متفاوت از

مسئولیت های کیفری و مدنی است که هر یک از اعضای مجریه مثل بقیه افراد جامعه دارند و در محاکم قضایی بررسی می شود و گامی در راستای تساوی آحاد جامعه در مقابل قانون و برابری در اجبارها و تحمیل های حاکمیت است.^۱

ایران

مهم ترین و روشن ترین اصل قانون اساسی که مسئولیت رییس جمهور را در اجرای قانون اساسی بیان می کند اصل ۱۱۳ است. « پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود بر عهده دارد. » این اصل با قایل شدن شأن بالاترین مقام رسمی کشور بعد از مقام رهبری برای رئیس جمهور دو وظیفه و مسئولیت مهم برای او پیش بینی کرده است، : یکی ریاست قوه مجریه جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود. در ارتباط با این مسئولیت رئیس جمهور عهده دار امور اجرایی کشور است و در اصل ۶۰ قانون اساسی این مسئولیت بدین گونه تبیین شده که « اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده از طریق رئیس جمهور و وزرا است. » و در اصل ۱۳۴ نیز به این صورت بیان شده است: « ریاست هیئت وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیمات وزیران و هیئت می پردازد و با همکاری وزیران برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می کند. . . » و دیگری مسئولیت اجرای قانون اساسی است که به اعتبار داشتن شأن و موقعیت بالاترین مقام رسمی کشور پس از رهبری، باید اقدامات و تمهیدات لازم را جهت اجرای اصول قانون اساسی و جلوگیری از نقض آن ها در هر سه قوه مجریه، قضاییه و مقننه بنماید. و مسئولیت اولین نکته ممتازی که در خصوص مسئولیت سیاسی هیئت وزیران ایران، قابل یادآوری است، طیف مسئولیت ایشان است که به طور عمده در قبال ملت، رهبر و مجلس قابل طرح است که در نوع خود منحصر به فرد می باشد. ضمانت اجرای مسئولیت نیز عزل آنهاست که به طرق مختلف و بنا به مقتضیات قانونی، توسط شخص رئیس جمهور و یا مجلس، به شکلی که در قانون اساسی ذکر گردیده انجام می گیرد، که عمدتاً در قالب سؤال و یا استیضاح عملی می گردد.^۱

فرانسه

در فرانسه مسئولیت سیاسی هیئت وزیران با سازو کار خاصی تحت عنوان طرح سانسور دولت در پارلمان این کشور مطرح می شود که جزئیات آن سابقاً بیان گردیده است. نخست وزیر نیز می تواند پس از مذاکره در شورای وزیران، هنگامی که لایحه ای را برای تصویب به پارلمان تقدیم می کند، مسئولیت سیاسی خود را گرو بگذارد یعنی با بقای کابینه خود شرط بندی کند. اما نکته قابل توجه در خصوص الگوی فرانسوی این است که با توجه به حق رئیس جمهور در انحلال مجلس، مسئولیت سیاسی هیئت وزیران در مقابل مجلس به عنوان نمایندگان ملت، تقریباً ناپایدار بوده و راه گریز از مسئولیت را باز می گذارد. نکته قابل توجه دیگر در ارتباط با مسئولیت نخست وزیر است که به عنوان یکی از دو شخصیت عالی قوه مجریه به طور عمده در قبال پارلمان مطرح می گردد. اما چه بسا با ترسیم مسئولیت نخست وزیر در قبال رئیس جمهور می شد هماهنگی بیشتری را در عملکرد وی به عنوان یکی از دو شخصیت عالی قوه مجریه شاهد بود.

بحث و نتیجه گیری

در این نوشتار با تطبیق چهار نظام مطرح دنیا (ایران، فرانسه، آلمان و ایالات متحده آمریکا) و با تمرکز بر نهاد حقوقی بسیار و مهم سرنوشت ساز هر مملکت تحت عنوان کابینه دولت یا هیئت وزیران در سه محور عمده یعنی جایگاه حقوقی، ساختار شکلی و مسئولیت سیاسی سعی شد تا با ارزیابی دقیق و موشکافانه به الگویی مطلوب از این نهاد خطیر دست یابیم. در این راستا و به طور کلی کشورهای ایران، فرانسه، آلمان و ایالات متحده آمریکا را می توان در سه طیف عمده مورد بررسی قرار داد؛

دولت های وابسته به پارلمان ؛ دولت های وابسته به پارلمان در حقیقت دولت های برخاسته از پارلمان و منتخب نمایندگان پارلمانی مردم می باشند و مسئول بودن این دولت ها در برابر پارلمان، موجب نیاز آن ها به اخذ رأی اعتماد از پارلمان گردیده است.

دولت های وابسته به پارلمان الزاماً دولت هایی با حداقل اختیارات نمی باشند زیرا دولت هایی مانند ایران که وابسته به پارلمان هستند دارای حداکثر اختیارات قوه مجریه نیز می باشند.

دولت های غیر وابسته به پارلمان : در بررسی این نوع دولت ها بحث به فراتر از نظام های دو ارگانی قوه مجریه کشانده می شود، زیرا این نوع دولت ها شامل نظام های ریاستی نیز می گردد. دولت های غیر وابسته به پارلمان و یا مستقل و تفکیک شده از قوه مقننه معمولاً در برابر پارلمان مسئول نیستند و نخست وزیر و وزرا توسط پارلمان قابل عزل نمی باشند. در نظام های غربی مانند آمریکا که دارای این نوع قوه مجریه هستند، نخست وزیر وجود ندارد و به جای نخست وزیر، معاونت ریاست جمهوری مقام دوم اجرائی محسوب می گردد. در این نظام ها پارلمان نقش چندانی در قوه مجریه ندارد و هر نوع اثر گذاری مستقیم در قوه مجریه، در آن پیش بینی نشده است جز در مورد اتهام و محاکمه رئیس قوه مجریه در حوزه خیانت که از این حکم مستثنی می باشد.

دولت های غیر وابسته و مستقل از پارلمان در میان نظام های دو ارگانی قوه مجریه به ندرت یافت می شوند. و هیچکدام از جمهوری های فرانسه را در این نوع نمی توان طبقه بندی نمود. چنان که در نظام های سلطنتی مانند آلمان نیز جایگاهی ندارند. دولت فرانسه را می توان دولت غیر وابسته به پارلمان تلقی نمود زیرا پارلمان در انتخاب نخست وزیر توسط رئیس جمهور نقشی ندارد چنان که انتخاب وزرا نیز توسط نخست وزیر است.

دولت های تعدیل شده ؛ اصطلاح دولت های تعدیل شده هر چند غیر متفاوت به نظر می رسد، لکن در طبقه بندی دولت ها در نظام های سیاسی غرب، چاره ای جز استفاده از آن نیست و منظور از دولت های تعدیل شده دولت هایی با شاخص تعدیل قوا به جای تفکیک یا پیوستگی قوا است.

این دولت ها که بیشتر در بین جمهوری های متداول کشورهای غربی دیده می شود، شامل کلیه قوای مجریه دو ارگانی می باشد که در دولت های فرانسه و آلمان دیده می شود و دارای بخش عمده اختیارات قوه مجریه و یا عهده دار قسمتی از آن می باشند. به هر حال هیئت وزیران مسئول اجرای قوانین کشورند و مسئولیت آنان در نظام های ریاستی چون آمریکا در برابر رئیس جمهور و در نظام های پارلمانی در برابر پارلمان مطرح می باشد.

منابع

- ۱- آقایی، مسلم- مبانی و ماهیت نظارت قضایی بر اعمال دولت- پژوهش نامه حقوقی- سال ۸۶- شماره ۱
- ۲- ابراهیمی، نصرالله- برترین مقام حکومتی و چگونگی گزینش آن- سال ۸۵- شماره ۴۰
- ۳- بوشهری، جعفر - مسایل حقوق اساسی- انتشارات دادگستر
- ۴- پدرام، سعید- حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت های ریاست جمهوری- فصلنامه مجلس و راهبرد- سال ۸۱- شماره ۳۶
- ۵- رستمی، ولی- جایگاه و نقش رئیس جمهور در نظام های مختلف جمهوری- نشریه مفید- سال ۹۲ شماره ۹۷
- ۶- رنجبر احمد- جایگاه رئیس جمهور در رژیم های سیاسی مختلف- مجله مجلس و راهبرد - سال ۸۴ - شماره ۴۶
- ۷- شفیعی فر، محمد- مردم سالاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (حدود قدرت دولت) فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی- سال ۸۴- شماره ۲
- ۸- شیخ الاسلامی، سید محسن حقوق اساسی تطبیقی (حقوق اساسی انگلستان، ایالات متحده آمریکا، فرانسه و آلمان) - انتشارات کوشامهر
- ۹- شیروی عبدالحسین حقوق تطبیقی- انتشارات سمت
- ۱۰- صفایی فر، احمد- بررسی واگذاری وظایف قانونی رئیس جمهور به معاونین- سال ۸۵ - شماره ۶۰
- ۱۱- طباطبائی مؤتمن، منوچهر- حقوق اساسی - بنیاد حقوقی میزان
- ۱۲- عالیخانی، محمد حقوق اساسی - انتشارات دستان
- ۱۳- عباسی، بیژن - حقوق اساسی تطبیقی - انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۴- عرفانی، محمود حقوق تطبیقی - (نظام های حقوقی معاصر) انتشارات جنگل
- ۱۵- امید زنجانی، عباسعلی- حقوق اساسی تطبیقی (حقوق اساسی کشورهای غربی و کشورهای اسلامی) - نشر میزان
- ۱۶- غمامی محمد مهدی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران - مرکز اسناد انقلاب ایران
- ۱۷- قاسم زاده، قاسم - حقوق اساسی - انتشارات جنگل دکتر قاسم زاده، قاسم
- ۱۸- قاضی، ابوالفضل حقوق اساسی و نهادهای سیاسی - انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۹- کاشانی، سید محمود- بررسی لایحه تعیین حدود اختیارات رئیس جمهور- سال ۸۲ - شماره ۱۸۰
- ۲۰- کدخدایی، عباسعلی- مفهوم قوه مجریه- سال ۹۰- شماره ۲
- ۲۱- محسنی، فرید- رئیس جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران- سال ۹۱- شماره ۶۴
- ۲۲- مدنی، سید جلال - حقوق اساسی تطبیقی - انتشارات پایدار
- ۲۳- موسی زاده، جزوه درس حقوق اساسی تطبیقی- انتشارات دانشگاه تهران
- ۲۴- مهرپور، حسین- مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی و جایگاه هیئت پیگیری و نظارت- فصلنامه راهبرد- سال ۷۷- شماره ۱۵
- ۲۵- نجفی اسفاد، مرتضی و محسنی، فرید حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران - دکتر نجفی اسفاد - انتشارات الهدی
- ۲۶- هاشمی سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران- جلد اول و دوم- بنیاد حقوقی میزان
- ۲۷- هریسی نژاد، کمال الدین، حقوق اساسی تطبیقی (نظام های پارلمانی، ریاستی، مختلط و اقتدارگرا) - انتشارات آیدین

- 28-rene .david -Large contemporary legal systems- -Tehran Universitypress
- 29-loamy pierre- Public law -justice Press
- 30-Ferdinand F. Stone- Fundamental rights institutions United States of America-Jongel Publication
- 31-Institution fondamentales du droit desetats- unis 1965
- 32-Code constitutionnelles de france:libraire de la cour de cassation paris1194
- 33-The basic law of the the fedrral republic of Germany 1981
- 34-[http://www. polisci. uela. eau/tesbelis/condghistory. doc](http://www.polisci. uela. eau/tesbelis/condghistory. doc)(Accessed on March-12-2005)
- 35- <http://comparativepolitics. Stanford. edu/papers2004>(Accessed on March 5-2005)